

تعاون و کشاورزی، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۷

## بررسی نیازهای آموزشی و مشکلات اعضای تعاونی زنان روستایی نودشه در شهرستان پاوه

رضا موحدی<sup>۱\*</sup>، علی اکبر قادری<sup>۲</sup>، موسی اعظمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

### چکیده

هدف اصلی این تحقیق شناسایی و اولویت بندی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی زنان روستایی نودشه بود. نیازهای آموزشی اعضای تعاونی در ابتدا با استفاده از روش کیفی ارزیابی مشارکتی روستایی شناسایی و سپس با استفاده از روش کمی (پرسش نامه) اولویت بندی گردید. برای سنجش و اولویت بندی نیازهای آموزشی در بخش کمی از الگوی تجزیه و تحلیل شغل استفاده شد. جامعه آماری این مطالعه شامل ۲۳۰ نفر از اعضای تعاونی بودند که ۱۴۴ نفر از آنان با استفاده از جدول مورگان به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق در روش کمی، پرسش نامه بود که روایی آن را متخصصان بررسی محتوایی کردند و پایایی آن با انجام پیش آزمون و با استفاده از نرم افزار SPSS تعیین شد. روش تحلیل داده ها به دو صورت توصیفی و استنباطی انجام گرفت. نتایج نشان داد که مهم ترین نیازهای آموزشی زنان عضو تعاونی نودشه در موضوعات مورد بررسی عبارت بودند از: ۱. حفاظت، احیا و پیشگیری از تخریب مراتع؛ ۲. کنترل آفات، بیماری ها و علف های هرز موجود در باغ ها و ۳. آشنایی با طراحی مدل های جدید گیوه و لباس. نتایج همچنین نشان داد که مهم ترین مشکلات اعضای تعاونی عبارت بودند از: ۱. عدم آشنایی کافی اعضا با اهداف، اصول و قوانین و مقررات تعاونی؛ ۲. کافی نبودن سرمایه تعاونی؛ ۳. استیجاری بودن ساختمان تعاونی؛ ۴. انتظارات غیرمنطقی برخی از اعضا از تعاونی و ۵. نگرش منفی نسبت به تعاونی.

واژه های کلیدی: تعاونی، زنان روستایی، نیازسنجی آموزشی، نودشه

۱. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

movahedi686@yahoo.com

\* نویسنده مسئول

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

۴. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

## مقدمه

توسعه پایدار بدون مشارکت آحاد مردم و از جمله زنان میسر نخواهد بود و هویت دادن به زنان، استقلال بخشیدن به آنان، افزایش توانمندی و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال آنها در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عامل مهمی در انگیزش هرچه بیشتر این نیروی عظیم در چرخه‌های تولیدی اجتماعی است (رضایی، ۱۳۸۸). یکی از مؤثرترین راهکارها که بستر لازم را برای رشد شخصیتی و ارتقای توانمندی‌های ذهنی و فکری زنان مهیا می‌کند و موجب مشارکت فعال اعضا در فعالیت‌های گروهی می‌گردد، فعالیت آنها در قالب تعاونی‌هاست (روستا و همکاران، ۱۳۸۹). تشکیل تعاونی‌های زنان راهکاری مناسب برای ایجاد خودباوری و توانمندسازی زنان روستایی است و تعاونی زنان روستایی نودسه نیز در همین راستا تشکیل شده است. شرکت تعاونی زنان براساس قانون تعاونی در صورتی تشکیل می‌شود که حداقل ۷۰ درصد اعضای آن را بانوان تشکیل دهند. عضویت در شرکت تعاونی روستایی زنان برای کلیه زنان روستایی که به تمام و یا قسمتی از خدمات شرکت نیاز داشته و دارای شرایط زیر باشند آزاد است: ۱. سکونت در حوزه عمل شرکت، ۲. عدم عضویت در تعاونی با موضوع عملیات مشابه، ۳. سپردن تعهد مبنی بر رعایت مقررات اساسنامه تعاونی و ۴. پرداخت حداقل بهای یک سهم (بنار و دیگران، ۱۳۹۰).

هدف اصلی تعاونی‌های زنان افزایش خودباوری و توانمند کردن اعضا می‌باشد تا آنها با تجمع سرمایه‌های انسانی و مادی خود ضمن اشتغال‌زایی و افزایش درآمد، حضوری پررنگ در اجتماع داشته باشند و بتوانند برای آینده خود تصمیم‌گیری بکنند. اعضای تعاونی زمانی می‌توانند زمینه توسعه و پیشرفت تعاونی را فراهم آورند که ضمن داشتن درآمد مناسب، ارتباط و مشارکت تنگاتنگ با تعاونی داشته باشند و این مهم تحقق نمی‌یابد مگر آنکه تک تک اعضا علاوه بر داشتن مهارت کافی در زمینه کسب و کار خود، آشنایی کامل نسبت به اهداف، اصول و قوانین و مقررات تعاونی داشته باشند که آن هم از طریق ارائه آموزش‌های لازم به اعضا صورت می‌گیرد. اعضای هر شرکت تعاونی، هرچه آگاه‌تر باشند،

ضمن انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرسان توانا تر، فعالانه در مجامع عمومی شرکت نموده و با ارائه راهکارهای مناسب، مسئولان تعاونی را در جهت پیشرفت امور تعاونی یاری می‌رسانند. به همین دلیل، آموزش به عنوان یک زیرساخت اصلی در نظام تعاون مطرح است و یکی از عوامل مهم در تعاونی‌های موفق، توجه دست اندرکاران و برنامه ریزان به مسئله آموزش است. در واقع، تعاونی با آموزش شروع، با آموزش ادامه و با آموزش تداوم می‌یابد و به عبارت دیگر می‌توان گفت آموزش در تعاونی‌ها نوعی سرمایه‌گذاری است.

در تعاونی روستایی زنان نودسه شرایط بالقوه برای خدمت‌رسانی هرچه بیشتر تعاونی به اعضا و در نتیجه ایجاد تحول عظیم اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جامعه زنان آن منطقه وجود دارد، ولی محدودیت‌های موجود مانع این امر شده است. یکی از مشکلات تعاونی این است که به اندازه کافی توسط اعضا مورد حمایت قرار نمی‌گیرد که علت اصلی آن را می‌توان در ناآگاهی اعضا نسبت به اصول و قوانین تعاونی و نحوه مشارکت و همکاری اعضا با تعاونی جستجو کرد. ناآگاهی اعضا نسبت به اهداف شکل‌گیری تعاونی و مأموریت‌های آن باعث به وجود آمدن انتظارات غیرمنطقی بعضی از اعضا از تعاونی شده و عدم برآورده شدن انتظارات مذکور، یک نوع بدبینی را نسبت به تعاونی و در نهایت عدم همکاری با تعاونی را به دنبال داشته است. کلید رفع تمام مشکلات ذکر شده را می‌توان در ارتقای سطح آگاهی اعضا از طریق آموزش جستجو کرد (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۶).

با آموزش می‌توان استعدادها را به فعلیت رساند و از آنها برای بقا و توسعه تعاونی و توانمندسازی اعضا بهره برد. ارائه آموزش‌ها زمانی اثربخش خواهد بود که بر اساس یک نیازسنجی آموزشی علمی و منطقی صورت گرفته باشد. هر چند آمارهای موجود سازمان تعاون روستایی و مدیریت هماهنگی ترویج کشاورزی گویای تلاش گسترده‌ای در زمینه آموزش نیروی انسانی تعاونی‌ها می‌باشد، اما وجود نارسایی‌ها و مشکلات موجود مؤید این مسئله است که بیشتر به بعد توسعه کمی آموزش‌ها توجه شده و بیشتر دوره‌های برگزار شده بر اساس نیازسنجی اصولی نبوده است. تحقیق حاضر هم به همین

منظور صورت گرفت با این امید که با شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی، باعث موفقیت هر چه بیشتر تعاونی روستایی زنان نودشه شود و سازمان تعاون روستایی را در کمک به رفع مشکلات سایر تعاونی‌ها یاری کند. بنابراین، اهداف اصلی این تحقیق عبارت بودند از: ۱. شناسایی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی زنان، ۲. بررسی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی زنان، ۳. تحلیل مسائل و مشکلات اعضای تعاونی زنان.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در خصوص نیازهای آموزشی اعضای تعاونی‌ها به ویژه تعاونی‌های زنان انجام گرفته حکایت از دو موضوع اساسی دارند: یکی اهمیت آموزش و تأثیر آن در موفقیت و بهبود عملکرد کلی تعاونی‌ها و دیگری زمینه‌هایی که اعضا در آن نیازمند آموزش بوده و طیف مختلفی از انواع نیازهای آموزشی را شامل می‌شود. البته موضوع مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان روستایی موضوع مهم دیگری است که با توجه به اهمیت آن و نیاز به شناسایی مشکلات و محدودیت‌های این تعاونی‌ها در تحقیق حاضر نیز در کنار موضوع نیازهای آموزشی تعاونی‌های زنان به آن پرداخته شده است. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌ها در این باره اشاره می‌شود.

اهمیت آموزش و تأثیر آن در موفقیت و بهبود عملکرد کلی تعاونی‌ها

علیخانی دادوکلائی و عباسی رستمی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی اثر عامل‌های آموزشی و روان‌شناختی بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی روستایی زنان استان گلستان پرداختند و نتیجه گرفتند که توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی روستایی زنان استان گلستان از هر دو عامل آموزشی و روان‌شناختی تأثیر می‌پذیرد.

کرمی و علی‌بیگی (۱۳۹۳) به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی شهرستان کرمانشاه پرداختند و نشان دادند که عوامل آموزشی و اجتماعی- فرهنگی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی این شهرستان داشته‌اند.

قلی‌فر و بنی‌اسدی (۱۳۹۱) در مطالعه خود تعداد دوره‌های آموزشی و کیفیت آموزش‌های ارائه شده را از علت‌های اصلی موفقیت تعاونی‌های موفق اعلام کرده‌اند. نکویی‌نائینی و سلمان (۱۳۹۱) نشان دادند که میزان شرکت در دوره‌های آموزشی، میزان رضایت از عملکرد تعاونی، نگرش نسبت به تعاون و میزان شناخت از اصول تعاون و سطح تحصیلات اعضا از عوامل مؤثر بر مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های مدیریت تعاونی‌های روستایی هستند.

ثمیری و رسول‌زاده (۱۳۸۷) میزان و نوع آموزش، تجربه کاری، همکاری سازمان‌ها و نهادها را در موفقیت شغلی مؤثر دانستند.

کرمی (۱۳۸۸) به این نتیجه رسید که میزان تمایل اعضای تعاونی‌ها برای شرکت در دوره‌های آموزشی و کارآموزی و شرکت در دوره‌های مربوطه همبستگی قوی و مثبت با میزان موفقیت تعاونی‌ها داشته است.

نتایج مطالعه امینی و رمضان‌ی (۱۳۸۵) نشان داد که رابطه بین میزان آموزش‌های برگزار شده برای اعضای شرکت‌های تعاونی و موفقیت آن شرکت‌ها معنی‌دار و مثبت بوده و در شرکت تعاونی‌هایی که آموزش‌های بیشتر ارائه شده است میزان مشارکت اعضا، خصوصاً در زمینه سرمایه‌گذاری در تعاونی، بیشتر بوده است.

به اعتقاد اشرفی (۱۳۸۳) یکی از عوامل مهم در تعاونی‌های موفق، توجه دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان به مسئله آموزش و ترویج می‌باشد.

چرمچیان لنگرودی و چیدری (۱۳۸۴) و صبوری و عمانی (۱۳۸۹) در تحقیقات خود آموزش عملی را مهم‌ترین شیوه آموزشی از نظر افراد مورد مطالعه دانسته‌اند. آموزش کارکنان

و اعضای تعاونی‌ها یک راهکار مؤثر برای نیل به توسعه منابع انسانی تعاونی‌ها و تقویت نگرش، دانش و مهارت‌های آنان است (عباسی، ۱۳۸۱).

درویشی‌نیا و صدیقی (۱۳۸۱) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های آموزشی ترویجی نقش مهمی در موفقیت تعاونی‌ها داشته‌اند و رابطه معناداری بین موفقیت تعاونی‌ها و کیفیت آموزش‌های ارائه شده وجود دارد.

عبداللهی (۱۳۷۷) معتقد است تعاونی‌هایی که به اعضای خود آموزش‌های بیشتری ارائه داده‌اند و اعضای آنها آگاه‌ترند میزان مشارکت و موفقیتشان نیز بیشتر می‌باشد.

#### نیازهای آموزشی اعضای تعاونی‌های روستایی و کشاورزی زنان

واحدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نیاز آموزشی زنان روستایی شهرستان ایلام درباره حفظ محیط زیست پرداختند و نشان دادند که زنان روستایی مورد مطالعه در همه زمینه‌های حفاظت محیط زیست شامل حفاظت از آب، هوا، خاک، گونه‌های گیاهی و جانوری، جنگل و مرتع نیاز به آموزش دارند.

شفیعی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی نیاز آموزشی زنان روستایی در تولید شیر بهداشتی در گاوداری‌های سنتی شهرستان بزم پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که گاوداران زن این شهرستان در زمینه‌های تغذیه دام، بهداشت و بیماری‌های دام نیاز به آموزش داشته و بین دانش این گاوداران با متغیرهای سن، سطح تحصیلات، شرکت در دوره‌های آموزشی، بازدید از گاوداری‌های نمونه، و مطالعه نشریات ترویجی رابطه معنی داری وجود دارد.

ساسانی (۱۳۹۲) نیازهای آموزشی باغداران را با استفاده از دو مدل نیازسنجی بوریج و دلتا بررسی کرد و نشان داد که با توجه به وقوع چند پدیده خشکسالی، گرد و خاک و سرماهای ابتدای فصل بهار در منطقه، بیشترین نیازهای آموزشی باغداران در زمینه مقابله با پدیده‌های مذکور می‌باشد که از جمله آنها شناخت و کاشت ارقام مختلف درختان مقاوم به

دو پدیده مذکور، استفاده صحیح از روش‌های آبیاری نوین و از جمله سیستم‌های آبیاری بارانی و قطره‌ای و شناخت و کاشت ارقام دیرگل و مقاوم به سرما می‌باشد.

قاسمی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی نیازهای آموزشی بهره برداران مزارع پرورش ماهی در کرمانشاه پرداخت و به این نتیجه رسید بیشترین نیاز آموزشی پرورش‌دهندگان ماهی در زمینه مسائل بهداشتی مزارع پرورش ماهی بوده است. وی مشکلات فرهنگی و مخالفت مردان را به عنوان یکی از موانع جدی فعالیت زنان در بیرون خانه و آموزش خانواده‌ها را در رفع این مشکل راهگشا دانست. همچنین از نقش صدا و سیما در فرهنگ‌سازی انجام فعالیت‌های بیرون از منزل توسط زنان نام برد.

محمدی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی نیازهای آموزشی گندمکاران در راستای کاهش ضایعات گندم پرداختند و نتیجه گرفتند که برای افزایش دانش فنی بهره‌برداران با انجام نیازسنجی آموزشی، ابتدا باید نیازها سنجش و عوامل مربوطه شناسایی، سپس به تدریج نسبت به رفع نیازهای با اولویت بالاتر اقدام شود.

هارویکی (Harwiki, 2016) در پژوهشی درباره تأثیر نحوه رهبری و هدایت تعاونی‌های زنان در اندونزی نشان داد که رهبری تأثیر مستقیمی بر فرهنگ سازمانی، تعهد سازمانی، رفتار سازمانی و بهبود عملکرد زنان در تعاونی‌ها دارد.

نتایج پژوهش جاین (Jain, 2015) درباره سنجش نیازهای آموزشی زنان در گروه‌های همیار نشان داد که دانش و اطلاعات زنان درباره تمامی جنبه‌های تشکیل گروه‌های همیار از جمله نحوه اداره و مدیریت این گروه‌ها، مدیریت مالی، آگاهی از مسائل اجتماعی، تشکیل شبکه و مشارکت آزاد در فعالیت‌های گروهی ضعیف است.

کوماری و همکارانش (Kumari et al., 2015) در زمینه نیازهای آموزشی زنان روستایی هند درباره پرورش گاوهای شیری نتیجه گرفتند که بیشترین نیاز آموزشی زنان در زمینه‌های مدیریت محیط پرورش گاوها، بهداشت دام، مراقبت و نگهداری دام، تغذیه، بازاریابی، مدیریت مزرعه و حسابداری و تبدیل و نگهداری فرآورده‌های شیر بوده است.

روبرت و همکارانش (Roberts et al., 2015) به بررسی نیازهای آموزشی کشاورزان ترینیداد در زمینه امنیت غذایی پرداختند و نتیجه گرفتند که مهم‌ترین نیازهای آموزشی کشاورزان شامل نحوه ارائه برنامه‌های تشویقی برای محصولات خروجی، برنامه‌های تحقیق و توسعه هم برای محصولات زراعی و هم دامی، نحوه مشارکت با بخش‌های خصوصی و تحقیقاتی، فناوری‌های پس از برداشت، فناوری‌های بسته‌بندی محصولات می‌باشند.

مچ و همکارانش (Mech et al., 2010) نیازهای آموزشی زنان روستایی آسام در زمینه پرورش کرم ابریشم را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که سطح دانش و مهارت‌های زنان در زمینه پرورش عملی کرم ابریشم پایین بوده و در این زمینه نیاز به آموزش دارند.

بوت و همکارانش (Butt et al., 2013) به بررسی نیازهای آموزشی زنان روستایی پنجاب پاکستان پرداختند و نتیجه گرفتند که نبود اعتماد به نفس، نبود امنیت اجتماعی، و وجود تضاد اجتماعی بین زنان و مردان از جمله مشکلات زنان روستایی این ناحیه می‌باشند. ابیورا (Obiora, 2013) در پژوهش خود درباره نیازسنجی کشاورزان زن در استان آنامبرا در نیجریه نتیجه گرفت که مهم‌ترین نیازهای آموزشی این کشاورزان در کسب دانش و اطلاعات در زمینه نحوه سازگاری با اقلیم منطقه، دانش و اطلاعات در زمینه هواشناسی، کسب خدمات ترویجی پیشرفته، نحوه توزیع به موقع کود شیمیایی، آشنایی با اصلاح نژاد دام، آشنایی با گونه‌های اصلاح شده گیاهی، و آشنایی با فناوری‌های اطلاعات و ارتباطاتی می‌باشد.

نتایج مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد مهم‌ترین نیازهای آموزشی اعضای تعاونی‌های زنان را می‌توان در زمینه آشنایی با مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی، مدیریتی و اصول و قوانین تعاونی‌ها دانست. بنابراین، در ارتباط با آموزش اعضای تعاونی‌های زنان لازم است ابتدا نیازهای آموزشی اعضا در خصوص کسب و کار به طور دقیق شناسایی و سپس اولویت‌بندی شود تا با توجه به شرایط و امکانات موجود نسبت به رفع نیازهای مذکور اقدام گردد.



## مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان روستایی

نتایج تحقیق کلاتری و لوایی آدریانی (۱۳۹۵) نشان داد که مهم‌ترین چالش پیش‌روی شرکت‌های تعاونی روستایی در ایران، "سرمایه‌محوری" است که ناشی از "کمبود دانش و تجربه کاری" و "خلاهای قانونی" است که منجر به "منفعت‌طلبی مفرط" در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی گردیده است.

نتایج تحقیق محبوبی و مقصودلو نژاد (۱۳۹۳) نشان داد که ۷ متغیر احساس مسئولیت کارکنان تعاونی در قبال انجام وظایف، مسئولیت‌پذیری مدیرعامل تعاونی، شناخت کافی هیئت مدیره و مدیرعامل از اعضا و نیازهای آنان، اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب در زمینه جلسات و تصمیم‌گیری‌ها به اعضا، تعداد سهام عضو در تعاونی، تعداد مراجعه عضو به تعاونی در طول ماه و برخورداری هیئت مدیره و مدیرعامل از دانش و توانایی، بیش از ۵۵ درصد از موفقیت تعاونی زنان روستایی فدک در استان گلستان را تبیین می‌کنند.

فدائی بوشهری (۱۳۹۲) در تحقیق خود برخی از مهم‌ترین مشکلات تعاونی‌های زنان روستایی را شامل عضویت صوری زنان در تعاونی‌ها، کمبود زنان متخصص و علاقه مند به عضویت در تعاونی‌ها، عدم مدیریت صحیح شرکت‌های تعاونی، محدودیت زنان روستایی در دستیابی به آموزش‌های تخصصی و شغلی شناسایی کرد.

نتایج مطالعه چرمچیان لنگرودی و علی بیگی (۱۳۹۲) بر روی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان ساری نشان داد که مهم‌ترین مانع توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی عدم اعتماد زنان به یکدیگر و مهم‌ترین راهکار حل این مشکل دادن وام و اعتبارات به زنان روستایی بوده است. همچنین مفیدترین روش ارائه خدمات آموزشی- ترویجی به زنان روستایی از نظر آنها، روش‌های گروهی مانند برگزاری کارگاه‌های آموزشی فراوری محصولات کشاورزی بوده است.

محمّدقلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به آسیب‌شناسی سازمان‌های غیردولتی محلی زنان روستایی کشاورز و تبیین راهکارهای تجهیز و تقویت آنها پرداختند و به این

نتیجه رسیدند که جهت تجهیز، توسعه و تقویت سازمان‌های غیر دولتی محلی زنان روستایی می‌بایست به آگاه‌سازی، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، حساس‌سازی، معیارسازی، توسعه منابع اجتماعی و اجرا اقدام کرد.

بذرافشان و شاهین (۱۳۸۹) به آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که آگاهی محدود اعضا از اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی‌های تولید، گرایش تعاونی‌ها به ارائه خدمات، ضعف آموزش اعضای تعاونی، محدودیت سرمایه، گرایش تعاونی‌ها به دولت، اعتماد محدود یا عدم اعتماد اعضا به تعاونی، عدم همکاری و قبول مسئولیت اعضا، بی‌توجهی به بازاریابی محصولات کشاورزی و نبود قوانین مشخص در مورد تعاونی‌ها از جمله آسیب‌هایی هستند که تعاونی‌ها را تهدید می‌کنند. غلامعلی‌زاده و رضایی‌مقدم (۱۳۸۸) در مطالعه چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون فرهنگ سنتی مردسالاری، حجم زیاد فعالیت زنان در داخل و خارج از منزل، مشکلات اعتباری و تأمین بودجه، کم‌بودن حضور زنان در بنگاه‌های اقتصادی و عدم دسترسی به متخصصان با تجربه و استفاده ناگزیر از نیروهای کم‌تجربه از جمله مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در تعاونی‌ها هستند.

آجیلی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان استان خوزستان و راه‌های ارتقای کمی و کیفی آنها پرداختند و نتیجه گرفتند که مهم‌ترین محدودیت‌های زنان در تعاونی‌ها شامل ضعف جسمانی زنان نسبت به مردان، وجود موانع فرهنگی و اجتماعی حضور زنان در تعاونی‌ها و پایین بودن سطح تحصیلات اعضا می‌باشد.

آقاجانی و رزانه (۱۳۸۰) عدم آشنایی کافی اعضا با فلسفه تعاون و نبود آموزش‌های لازم جهت رفع مشکل مذکور را یکی از علت‌های عدم موفقیت تعاونی‌ها بیان کرده است. واکوفاریس و همکاران (Vakoufaris et al., 2007) نشان دادند مشکلات بین‌فردی، عدم درک اعضا از نقش‌های جدید خود به‌عنوان زنان شاغل و مشارکت اندک زنان از مسائل مهم در زمینه عدم توفیق شرکت‌های تعاونی زنان در رسیدن به اهداف خود در یونان است.

موحدی و یعقوبی فرانی (Movahedi & Yaghoubi-Farani, 2012) با تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی به این نتیجه دست یافتند که از جمله موانع و محدودیت‌های کارآفرینی زنان روستایی ویژگی‌های خانوادگی، شرایط فرهنگی-اجتماعی، عوامل اقتصادی، شرایط جغرافیایی و زیست محیطی و ... می‌باشند.

### مبانی نظری تحقیق

آموزش ظرفیت کار و خدمت کارکنان و اعضای تعاونی را بالا می‌برد و آنها را قادر می‌سازد که به یک کارمند واقعی تعاونی تبدیل گردند (امینی، ۱۳۷۲). آموزش کارکنان و اعضای تعاونی‌ها یک راهکار مؤثر برای نیل به توسعه منابع انسانی تعاونی‌ها و تقویت نگرش، دانش و مهارت‌های آنان است (عباسی، ۱۳۸۱). ارائه آموزش‌ها زمانی اثربخش خواهد بود که بر اساس یک نیازسنجی آموزشی علمی و منطقی صورت گرفته باشد. هر چند تلاش‌های گسترده‌ای در زمینه آموزش و توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها توسط وزارت تعاون صورت گرفته، اما وجود نارسایی‌ها و مشکلات موجود مؤید این مسئله است که بیشتر به بعد توسعه کمی آموزش‌ها توجه شده و اکثر دوره‌های برگزار شده بر اساس نیازسنجی اصولی نبوده است.

نیازسنجی آموزشی و یا ارزیابی نیازهای آموزشی اقدامی است که فاصله یا اختلاف بین "آنچه هست" و "آنچه باید باشد" را معلوم می‌کند و نشان می‌دهد که آموزش بر چه چیزی باید تأکید داشته باشد؛ به عبارتی، نیاز آموزشی به ارائه طرحی برای فعالیت آموزشی منتهی می‌شود که شامل پاسخ‌هایی برای سؤال‌هایی نظیر "فراگیران چه مطالبی را باید بیاموزند؟"، آموزش به چه روش‌هایی و چه وقت ارائه خواهد شد؟، چه نوع مطالب و یا مواد آموزشی باید در اختیار آنان قرار داده شود؟ است" (بابایی، ۱۳۷۸). قبل از ارائه هر آموزشی لازم است نیازهای آموزشی جامعه مخاطب مشخص گردد و به اعتقاد شهبازی (۱۳۷۲)،

شناسایی نیازهای آموزشی می‌تواند لازمه ارائه آموزش‌های مؤثر باشد؛ به عبارت دیگر، اجرای هرگونه برنامه آموزشی بدون نیازسنجی محکوم به شکست است.

امروزه برای سنجش نیازهای آموزشی تعداد زیادی از الگوهای نیازسنجی وجود دارد که مورد استفاده برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد؛ لیکن با وجود تنوع الگوهای یاد شده، هیچ‌کدام بر دیگری ارجحیت ندارد و مناسب بودن آنها بستگی به پروژه برگزیده دارد. انتخاب هریک از الگوها برای نیازسنجی به ملاک‌هایی از جمله نوع برنامه، میزان مشارکت، منابع تعیین نیاز، ساختار سیستم و میزان روایی و پایایی داده‌های حاصل از الگوها و بررسی اسناد و مدارک موجود بستگی دارد (ترکزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۹؛ فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۴: ۲۲). با توجه به مطالب گفته شده، برای سنجش و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی در این مطالعه از الگوی تجزیه و تحلیل شغل استفاده شد. هدف این الگو تعیین دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های لازم (نیازهای آموزشی) برای انجام بهینه وظایف شغلی است. در این الگو، دانش، مهارت و نگرش لازم برای انجام دادن هر وظیفه یا شغل در فرمی ثبت می‌شود که دارای سه مفهوم (معیار) ضرورت و اهمیت، فراوانی تکرار و سختی یادگیری برای اولویت‌بندی دانش، مهارت یا نگرش (نیازهای آموزشی) مشاغل است.

**ضرورت و اهمیت:** این مفهوم بیانگر ضرورت و اهمیت دانش، مهارت یا نگرش مورد نظر برای انجام دادن بهینه وظایف شغلی است.

**فراوانی تکرار:** منظور از این مفهوم تکرار دفعاتی است که به د.م.ن (دانش، مهارت، نگرش) مورد نظر برای انجام دادن وظایف شغلی نیاز است و مورد استفاده یا رجوع قرار می‌گیرد.

**سختی یادگیری:** این مفهوم به میزان وقت و تلاشی اشاره دارد که باید صرف یادگیری مطالب شود (چیدری، ۱۳۷۶).

## مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نظر ماهیت داده‌ها، جزء تحقیقات کمی-کیفی محسوب می‌گردد. در این پژوهش، نتایج تحقیق کیفی، بستر لازم برای تحقیق کمی را فراهم آورد و برای تکمیل آن از ابزار پرسش‌نامه کمک گرفته شد. روش کمی پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - همبستگی با راهبرد پیمایشی بود و جامعه آماری در این بخش، شامل تمام اعضای تعاونی روستایی زنان نودشه به تعداد ۲۳۰ نفر بودند ( $N=230$ ). نودشه یکی از شهرهای توابع شهرستان پاوه در استان کرمانشاه می‌باشد که در بخش نوسود در این شهرستان نزدیک به خط مرزی بین ایران و عراق واقع شده است. برای تعیین نمونه‌های تحقیق با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۴۴ نفر ( $n=144$ ) به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در بخش کیفی، روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد.

در گردآوری و اندازه‌گیری داده‌ها، با توجه به استفاده از دو روش کیفی و کمی، از ابزارهای متفاوت بهره‌گرفته شد. در بخش کمی پژوهش، به منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز، از پرسش‌نامه استفاده گردید. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از استادان دانشگاه و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و کارشناسان سازمان تعاون روستایی استان‌های کرمانشاه و همدان کمک گرفته شد و نظر اصلاحی آنها در تنظیم پرسش‌نامه نهایی اعمال گردید. برای سنجش پایایی، داده‌های ۳۰ پرسش‌نامه تکمیل شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ضریب محاسبه شده برای نیازهای آموزشی مربوط به مشاغل مختلف بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۴ و مقدار ۰/۸۹۹ برای بخش مشکلات تعاونی به دست آمد. برای بررسی مشکلات و محدودیت‌های تعاونی از طیف پنج درجه‌ای لیکرت و برای بررسی نیازهای آموزشی از روش تحلیل شغل یا وظیفه استفاده شد. در تکنیک رتبه‌بندی و اولویت بندی مشاغل ابتدا با استفاده از روش‌های کیفی، مشاغل مورد نیاز تعیین گردیدند، سپس با استفاده از روش ماتریس مقایسه‌ای بر حسب میزان اهمیت و میزان اشتغال‌زایی هر

شغل با دو گروه از مصاحبه شونده‌ها، امتیازات هر شغل مشخص شد، آنگاه مشاغل با اولویت بالاتر برای تعیین وظایف مربوطه از نظر اعضای تعاونی مورد بررسی اکتشافی قرار گرفت.

در بخش کمی، به دو روش توصیفی و تحلیلی (استنباطی) به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده پرداخته شد. در بخش توصیفی، با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین و انحراف معیار، به توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه پرداخته شد و در بخش استنباطی از آزمون‌های من‌ویتنی و کروسکال والیس و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. در بخش کیفی این تحقیق برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA)<sup>۴</sup> بهره گرفته شد. این روش به طور متداول شامل مجموعه‌ای از تکنیک‌های مختلف مانند مصاحبه عمیق، مشاهده، بحث گروهی و ترسیم نقشه و کروکی می باشد که همه این تکنیک‌ها برای رسیدن به اهداف اصلی این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت به این صورت که لازم بود برای تعیین دقیق فهرستی از مشاغل و وظایفی که در تعاونی نودشه نیاز به آموزش در آنها وجود داشت و همچنین به منظور تعیین فهرستی دقیق از مشکلات تعاونی با کمک خود اعضای تعاونی از تکنیک‌های مختلفی استفاده شود که اشاره شد. از مشاهده برای آگاهی از چگونگی و کیفیت انجام وظایف مختلف در تعاونی نودشه و از روش مصاحبه عمیق با اعضای با سطح اطلاعات بالا و همچنین مسئولان و کارمندان مرتبط با تعاونی روستایی در خصوص مشکلات تعاونی زنان نودشه استفاده شد. از تکنیک ترسیم نقشه و کروکی نیز به منظور فهرست‌سازی و سیاه‌برداری از وظایف و مشکلات تعاونی به منظور رتبه‌بندی و نمره‌دهی در مرحله کمی بهره گرفته شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از سه فرایند زیر استفاده شد: الف) تلخیص داده‌ها، ب) عرضه داده‌ها<sup>۵</sup> و ج) نتیجه‌گیری و تأیید<sup>۷</sup>. تلخیص داده‌های کیفی جزئی از فرایند

---

4. Participatory Rural Appraisal

5. Data Reduction

6. Data Display

7. Conclusion Drawing & Verification

تحلیل داده‌ها بوده و شامل تمرکز، تنظیم و تبدیل داده‌ها به صورتی خلاصه‌تر است. منظور از عرضه داده‌ها ظاهر ساختن مجموعه‌ای سازمان یافته از داده‌هاست به طوری که به کمک آنها بتوان به نتیجه‌گیری پرداخت. برای عرضه داده‌ها شیوه‌های گوناگونی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به انواع ماتریس‌ها، نمودارها، شبکه‌ها و امثال آن اشاره کرد. پژوهشگر در مرحله نتیجه‌گیری و تأیید، به معنای هر رویداد پی‌برده، به نظم رویدادها، الگوی وقوع آنها، تبیین آنها، چگونگی وقوع احتمالی و عوامل به وجودآورنده‌شان نیز پی‌برده و بالاخره گزاره‌های مربوطه را بیان می‌کند (سرمد و همکاران، ۱۳۹۲). در مورد بررسی‌های کیفی، فرمول ثابت و مشخصی برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها وجود ندارد. این نوع از تجزیه و تحلیل‌ها قبل از آنکه یک روال علمی باشند، یک مهارت فکری و ذهنی محسوب می‌شوند.

## نتایج و بحث

در این پژوهش، اعضای که در بخش کیفی تحقیق مشارکت و همکاری فعال داشتند با میانگین سن ۳۸/۵ سال، به طور متوسط دارای ۱۳/۲ سال عضویت در تعاونی بودند و ۳۶/۸ درصد آنها تحصیلات دانشگاهی داشتند. در بخش کمی تحقیق، میانگین سن افراد مورد مطالعه برابر ۳۵/۸۴ سال و حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۸ و ۵۳ سال بود. پاسخگویان به طور میانگین سابقه‌ای حدود ۹/۸۴ سال در تعاونی و تنها ۷ درصد سابقه مسئولیت در تعاونی داشتند. ۷۸/۵ درصد پاسخگویان متأهل و میانگین بعد خانوار آنها برابر ۴/۳۲ نفر بود. اکثر پاسخگویان علاوه بر خانه‌داری به شغل‌های دیگری اشتغال داشتند که باغداری، گیوه‌بافی، جمع‌آوری گیاهان دارویی و خیاطی از مهم‌ترین آنها از نظر میزان اشتغال‌زایی و میزان اهمیت در منطقه بودند. تنها ۲/۱ درصد از پاسخگویان بی‌سواد بودند و حدود ۹/۷ درصد آنها تحصیلات دانشگاهی داشتند. حدود ۹/۷ درصد از پاسخگویان سرپرست خانوار بودند و میزان درآمد ماهانه خانوار ۷۷/۳ درصد آنها یک میلیون تومان و یا کمتر بود.

### بررسی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی

به منظور بررسی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی ابتدا تمام مشاغلی که امکان انجام آنها برای اعضای تعاونی وجود داشت شناسایی شدند. در مرحله شناسایی مشاغل، از تکنیک‌های مصاحبه گروهی، توفان اندیشه و سیاهه (لیست) برداری در قالب دو گروه PRA استفاده شد. در این فعالیت، تمام شغل‌هایی که اعضای تعاونی در دوره‌ای از طول سال به آن مشغول بودند فهرست شدند. شغل‌های مذکور شامل تمام مواردی بود که زنان به صورت تمام‌وقت، پاره‌وقت، فصلی، با حقوق و مزایا و یا بدون حقوق و مزایا به آن مشغول بوده و تمام و یا بخشی از وظایف شغل مربوطه را انجام می‌دادند. شغل‌های شناسایی شده با استفاده از تکنیک‌های بحث گروهی و رتبه‌بندی ماتریسی بر اساس میزان اهمیت و اشتغال‌زایی اولویت‌بندی شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که شغل‌های باغداری، گیوه‌بافی، بهره‌برداری از مراتع و خیاطی در رأس جدول اولویت بندی قرار دارند (جدول ۱).

جدول ۱. اولویت‌بندی مشاغل از نظر میزان اهمیت و اشتغال‌زایی

ردیف	جمع امتیاز	امتیاز کسب شده		عنوان شغل
		گروه ۲	گروه ۱	
۱	۲۸	۱۴	۱۴	باغداری
۲	۲۶	۱۳	۱۳	گیوه‌بافی
۳	۲۳	۱۱	۱۲	بهره‌برداری از مراتع (جمع‌آوری، خشک کردن و بسته‌بندی گیاهان خوراکی و دارویی)
۴	۲۲	۱۲	۱۰	خیاطی و دوختن لباس‌های محلی
۵	۲۱	۱۰	۱۱	پرورش زنبور عسل
۶	۱۷	۸	۹	فراوری محصولات کشاورزی و باغی (تهیه رب، ترشی، سرکه، دوشاب، خشک کردن و ... میوه و سبزیجات)
۷	۱۶	۹	۷	قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی، زیلوبافی و موج بافی
۸	۱۵	۷	۸	کاشت سبزی و صیفی در خانه و باغ
۹	۱۲	۶	۶	پرورش ماکیان (بوقلمون، غاز، اردک و مرغ و خروس) و جوجه-کشی از آنها



ادامه جدول ۱				
۱۰	۱۰	۵	۵	کاموآبافی و بافتن بافتنی‌های سنتی ژاکت و جوراب نخی، شال، سجاده و ...
۱۱	۷	۳	۴	پرورش گل‌های خانگی و آپارتمانی
۱۲	۶	۴	۲	کار در مغازه و فروشنده‌گی
۱۳	۵	۲	۳	سقرچینی، عمل آوری و بسته بندی آن
۱۴	۲	۱	۱	آرایشگری زنانه
۱۵	۰	۰	۰	پرورش گاو، گوسفند و بز

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی

در این مرحله از تحقیق، شدت نیازهای آموزشی در خصوص مجموعه وظایف هریک از شغل‌های بهره برداری از مراتع (جمع‌آوری گیاهان دارویی و خوراکی)، باغداری، گیوه بافی و خیاطی با روش کمی (پرسش‌نامه) مورد مطالعه قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید: بیشترین نیاز آموزشی اعضای تعاونی در خصوص مجموعه وظایف بهره‌برداری از مراتع به ترتیب مربوط به رعایت اصول صحیح برداشت با میانگین ۸/۶۵ از ۹؛ فراوری و خشک کردن گیاهان با میانگین ۸/۶۲؛ احیای مراتع؛ عملیات آبخیزداری جهت پیشگیری از تخریب مراتع بوده است (رتبه‌های اول تا چهارم) (جدول ۲).

در خصوص وظایف مربوط به شغل باغداری، کنترل علف‌های هرز، آفات و بیماری‌ها با میانگین ۸/۲۷ بالاترین سطح نیاز آموزشی اعضای باغدار تعاونی را به‌خود اختصاص داد و پس از آن، بسته بندی و برداشت محصول به ترتیب با میانگین‌های ۸/۱۶ و ۷/۸۹ اولویت‌های دوم و سوم نیازهای آموزشی باغداران را تشکیل دادند (جدول ۲).

در خصوص وظایف مربوط به شغل گیوه‌بافی، مهم‌ترین نیاز آموزشی بافندگان گیوه عبارت بود از طراحی شکل ظاهری، مدل، رنگ آمیزی و طرح و نقشه گیوه با میانگین ۷/۵۴. بازاریابی و فروش محصول با میانگین ۷/۳۲ رتبه دوم نیازهای آموزشی اعضای تعاونی را به خود اختصاص داده و پس از آن، عمل آوری مواد اولیه و برش چرم و پارچه با میانگین ۷/۲

در رتبه سوم قرار گرفته است. قالب‌گیری و بسته‌بندی محصولات تولیدی از جمله وظایفی بودند که نیاز به برگزاری دوره‌های آموزشی در خصوص آنها کمتر احساس شده است (جدول ۲).

طراحی مدل‌های جدید لباس از نظر شکل و فرم با میانگین ۸/۳ برای راضی نگه‌داشتن مشتریان بالاترین نیاز آموزشی پاسخگویان در زمینه شغل خیاطی عنوان شد. برقراری ارتباط مناسب با مشتریان جهت جذب آنها با میانگین ۸/۱۱، مرتبه دوم و مهارت‌های دوخت لباس با میانگین ۸/۱ در مرتبه سوم اولویت بندی نیازهای آموزشی قرار گرفت (جدول ۲).

جدول ۲. اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اعضای تعاونی زنان نودشه

اولویت	رتبه	سختی کار	فراوانی تکرار	ضرورت و اهمیت	عنوان و وظیفه	عنوان شغل
۱	۸/۶۵	۲/۸۵	۲/۸۶	۲/۹۴	حفاظت (رعایت اصول صحیح برداشت)	بهره‌برداری از مراتع (جمع‌آوری گیاهان خوراکی و دارویی)
۲	۸/۶۲	۲/۸۲	۲/۸۳	۲/۹۷	فراوری و خشک کردن گیاهان مرتعی	
۳	۷/۸۳	۲/۱	۲/۸۳	۲/۹	احیا (کاشت بذر در مراتع)	
۴	۷/۲۴	۲/۹۳	۱/۴۰	۲/۹۱	پیشگیری از تخریب مراتع با انجام فرق، عملیات آبخیزداری و ...	
۵	۷/۶	۲/۶۵	۱/۹۹	۲/۹۶	بازاریابی و فروش محصولات	
۶	۷/۵۴	۲/۷۰	۲/۰۶	۲/۷۸	برداشت	
۷	۷/۱۲	۲/۱۵	۱/۹۹	۲/۹۸	بسته‌بندی محصول	
۸	۷/۰۸	۲/۵۰	۲/۰۲	۲/۵۶	شناخت بخش‌های قابل برداشت گیاه	
۹	۶/۹۵	۲/۸۸	۱/۰۸	۲/۹۹	شناخت گیاهان	
۱	۸/۲۷	۲/۵۰	۲/۷۷	۳	کنترل علف‌های هرز، آفات و بیماری‌ها	باغداری
۲	۸/۱۶	۲/۲۱	۲/۹۵	۳	بسته‌بندی محصول	
۳	۷/۸۹	۱/۹۲	۲/۹۷	۳	برداشت محصول	
۴	۷/۲۸	۲/۵۵	۱/۹۰	۲/۸۳	بازاریابی و فروش	
۵	۶/۷۵	۲/۶۹	۱/۰۸	۲/۹۸	هرس (فرم و ثمردهی)	
۶	۶/۷۱	۲/۵۱	۱/۲۱	۲/۹۹	پیوند زدن	
۷	۶/۷	۲/۴۰	۱/۳۵	۲/۹۵	انتخاب و کاشت نهال	
۸	۶/۶۴	۲/۷۴	۱/۰۱	۲/۸۹	کوددهی	
۹	۶/۱۱	۲/۱۲	۱/۳۲	۲/۶۷	آبیاری	

ادامه جدول ۲

۱	۷/۵۴	۲/۴۸	۲/۱۶	۲/۹۰	طراحی شکل ظاهری، مدل، رنگ آمیزی و طرح و نقشه	گیوه‌بافی
۲	۷/۳۲	۲/۴۶	۲/۱۸	۲/۶۸	بازاریابی و فروش	
۳	۷/۲	۲/۹۷	۱/۲۴	۲/۹۹	عمل آوری مواد اولیه و برش چرم و پارچه	
۴	۷/۱۵	۱/۳۳	۲/۹۲	۲/۹	دوخت رویه گیوه	
۵	۶/۴۸	۲/۴۴	۱/۱۳	۲/۹۱	انتخاب مواد اولیه مورد نیاز برای تهیه گیوه مانند نخ و چرم	
۶	۶/۳۷	۲/۴۷	۱	۲/۹۰	دوخت زیره گیوه	
۶	۶/۱۶	۱/۱۹	۲/۰۳	۲/۹۴	اتصال رویه به زیره گیوه	
۷	۵/۸۹	۱/۱۳	۱/۹۷	۲/۷۹	آشنایی با ابزارهای گیوه‌بافی و نحوه استفاده از آنها	
۸	۵/۲۹	۱/۱۰	۱/۳۰	۲/۸۹	قالب‌گیری گیوه	
۹	۵/۱۶	۱/۸۱	۱/۱۱	۲/۲۴	بسته‌بندی	
۱	۸/۳	۲/۳۱	۳	۲/۹۹	طراحی مدل لباس از نظر شکل و فرم	خیاطی
۲	۸/۱۱	۲/۱۴	۳	۲/۹۷	ارتباط با مشتریان (جذب مشتری)	
۳	۸/۱۰	۲/۱۱	۳	۲/۹۹	مهارت دوخت	
۴	۸/۰۶	۲/۰۶	۳	۳	کاربرد و تنظیم وسایل و ابزارهای خیاطی	
۵	۸/۰۴	۲/۰۵	۳	۲/۹۹	برش	
۶	۷/۶	۲/۹۰	۱/۸۵	۲/۸۵	اندازه‌گیری	
۷	۷/۰۲	۲/۱۷	۲/۱۸	۲/۶۷	تهیه الگو	
۸	۶/۹۸	۲/۱۵	۲/۳۱	۲/۵۲	تعمیر لباس پرو	
۹	۶/۹۱	۱/۳۹	۲/۸۱	۲/۷۱	تعمیر وسایل و ابزارهای خیاطی مانند چرخ خیاطی	
۱۰	۴/۶۲	۲/۴۵	۱/۰۵	۱/۱۲	تعمیر وسایل و ابزارهای خیاطی مانند چرخ خیاطی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: ضرورت و اهمیت: کم = ۱، متوسط = ۲، زیاد = ۳؛ فراوانی تکرار: کم = ۱، متوسط = ۲،

زیاد = ۳؛ سختی انجام: آسان = ۱، متوسط = ۲، سخت = ۳

## مشکلات تعاونی زنان روستایی نودشه

در این بخش از تحقیق، مشکلات و محدودیت‌های تعاونی، که با استفاده از مصاحبه در بخش کیفی مشخص شده بودند، در قالب ۲۳ گویه با استفاده از پرسش‌نامه و نظرخواهی از زنان عضو تعاونی نودشه مورد بررسی و اولویت بندی قرار گرفتند. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، دو مشکل کمبود سرمایه و نداشتن ساختمان ملکی (استیجاری بودن محل فعالیت شرکت تعاونی) به ترتیب با میانگین ۴/۱۳ و ۴/۰۲ در صدر مشکلات تعاونی قرار دارند. انتظارات غیر اصولی اعضا از تعاونی (میانگین ۳/۹۴)، وجود نگرش منفی اعضا نسبت به تعاونی (۳/۹۰) و آشنا نبودن آنها با اصول، قوانین و مقررات تعاونی (۳/۸۳) از جمله مشکلاتی هستند که به ترتیب در رتبه سوم تا پنجم قرار گرفته‌اند. سایر اولویت‌ها در جدول ۳ بیان شده‌اند.

جدول ۳. اولویت‌بندی مشکلات تعاونی زنان نودشه

مشکلات	رتبه اولویت	رتبه اولویت	مشکلات	رتبه اولویت	رتبه اولویت		
کمبود سرمایه	۴/۱۳	۰/۹۲۱	۱	همکاری ضعیف اعضا با تعاونی	۳/۵۲	۱/۲۰۶	۱۳
نداشتن ساختمان ملکی	۴/۰۲	۰/۹۸۵	۲	نبود قوانین و مقررات پشتیبان	۳/۵۱	۱/۰۵۸	۱۴
انتظارات غیراصولی اعضا از تعاونی	۳/۹۴	۰/۹۳۳	۳	عدم استخدام و به کارگیری افراد متخصص مورد نیاز تعاونی	۳/۴۵	۱/۱۳۶	۱۵
نگرش منفی اعضا به تعاونی	۳/۹۰	۰/۹۷۳	۴	مخالفت خانواده با شرکت زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه و تعاونی	۳/۲۶	۰/۹۳۱	۱۶
آشنا نبودن اعضا با اصول، قوانین و مقررات تعاونی	۳/۸۳	۱/۰۵۳	۵	پایین بودن قدرت خلاقیت فردی، روحیه نوگرایی و نوظیری در خانم‌ها	۲/۸۵	۰/۹۲۲	۱۷

ادامه جدول ۳

۱۸	۰/۹۶۶	۲/۸۲	پایین بودن روحیه اعتماد به نفس	۶	۰/۹۴۱	۳/۸۱	بی‌توجهی به اصل آموزش
			در زنان				
۱۹	۱/۱۲۴	۲/۸۱	پایین بودن قدرت رهبری در خانم‌ها	۷	۱/۱۷۶	۳/۸۰	عضوپذیری غیر اصولی
۲۰	۱/۰۶۹	۲/۷۷	نداشتن مجوز صادرات محصولات تولیدی به خارج از کشور	۸	۱/۰۸۷	۳/۷۹	عدم حمایت مسئولان و ادارات محلی از تعاونی‌ها
۲۱	۰/۹۷۵	۲/۴۹	همکاری ضعیف مسئولان تعاونی با یکدیگر	۹	۰/۷۳۱	۳/۷۶	کمبود امکانات و تجهیزات مانند رایانه، خودرو و ...
۲۲	۱/۰۹۴	۲/۴۲	عدم تمایل شرکت در دوره‌های آموزشی	۱۰	۰/۹۱۹	۳/۷۱	مشکل فروش محصولات
۲۳	۰/۹۱۹	۲/۲۲	فعالیت افراد و گروه‌های رقیب تعاونی در انجام فعالیت‌های اقتصادی	۱۱	۱/۰۷۴	۳/۶۵	پایین بودن سطح آموزش و مهارت‌های اعضا
				۱۲	۰/۹۴۹	۳/۵۹	ارتباط ضعیف تعاونی با سایر تعاونی‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل عاملی مشکلات تعاونی زنان نودشه

به منظور دسته بندی و خلاصه کردن تعداد محدودیت‌ها و مشکلات موجود تعاونی زنان نودشه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. به این منظور، ابتدا تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی با استفاده از آماره های KMO و آزمون بارتلت انجام گرفت. دامنه KMO بین صفر تا یک بوده و هر چقدر این آماره به یک نزدیک تر باشد به همان میزان کفایت نمونه نیز بالاتر است. مقدار KMO به دست آمده در این تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۶۴۹ می‌باشد و با توجه به معنی دار بودن آزمون بارتلت می‌توان نتیجه گرفت که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده است (جدول ۴). در مرحله بعد، برای تعیین تعداد عامل‌های معنی‌دار از معیار مقادیر ویژه استفاده گردید که از ماتریس همبستگی حاصل می‌شود. معمولاً

عامل‌هایی انتخاب می‌شوند که مقدار ویژه آنها از یک بیشتر باشد. متغیرهایی که بار عاملی آنها بزرگ‌تر از ۰/۵ باشد به عنوان بارهای عاملی معنی‌دار استخراج می‌گردند. پس از دوران عامل‌ها از طریق انتساب متغیرها به عامل‌ها، به استنتاج مفهومی پرداخته شد (دلاور، ۱۳۸۵).

جدول ۴. مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت

مقدار آزمون	نام آزمون
۰/۶۴۹	کیسر- مایر- اوکلین (KMO)
۷۷۶/۰۴۲	بارتلت (Bartlett)
۲۵۳	درجه آزادی
۰/۰۰۰	معنی داری

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول ۵ مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده بر حسب مقدار بار عاملی هر متغیر در دو حالت استخراج اولیه و چرخش یافته به منظور مشخص شدن تعداد عامل‌های خلاصه شده درباره مشکلات تعاونی نودشه نشان داده شده است.

جدول ۵. مقادیر ویژه و درصد واریانس تبیین شده مربوط به عوامل مشکلات تعاونی نودشه

عامل	مقادیر ویژه اولیه		مقادیر ویژه چرخش یافته	
	مقدار ویژه	درصد واریانس	مقدار ویژه	درصد واریانس
۱	۴/۵۱۹	۱۹/۶۴۶	۲/۴۹۹	۱۰/۸۶۴
۲	۱/۸۷۹	۸/۱۷۰	۲/۱۹۵	۹/۵۴۳
۳	۱/۶۲۳	۷/۰۵۵	۲/۱۰۳	۹/۱۴۴
۴	۱/۴۹۱	۶/۴۸۳	۱/۷۰۳	۷/۴۰۳
۵	۱/۳۹۶	۶/۰۶۹	۱/۶۴۵	۷/۱۵۰
۶	۱/۲۸۹	۵/۶۰۵	۱/۶۰۵	۶/۹۷۶
۷	۱/۱۸۷	۵/۱۶۲	۱/۳۸۴	۶/۰۱۸
۸	۱/۰۷۱	۴/۶۵۶	۱/۳۲۲	۵/۷۵۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق نتایج حاصل از تحلیل مشکلات تعاونی زنان نودشده، ۸ عامل، که مقدار ویژه آنها بزرگ‌تر از ۱ بود، شناسایی شدند. چنان که جدول ۹ نشان می‌دهد، این ۸ عامل ۶۲/۸ درصد تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کنند. ماهیت عامل‌های استخراج شده و در نتیجه نام‌گذاری آنها در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶. نام‌گذاری عامل‌ها، متغیرهای مربوط به هر عامل و بارهای عاملی حاصل

از ماتریس دوران یافته

عامل	متغیر	بار عاملی
عدم به کارگیری افراد متخصص و	عضوگیری و جذب افرادی که نیازی به تعاونی نداشته و همکاری لازم با تعاونی را ندارند	۰/۶۹۳
عدم آموزش‌های کافی	بی‌توجهی به اصل آموزش در تعاونی‌ها و کافی نبودن قوانین مربوطه عدم استخدام و به کارگیری افراد متخصص مورد نیاز تعاونی مانند برنامه‌ریز، بازاریاب و ...	۰/۵۸۲ ۰/۶۹۴
عدم حمایت‌های پشتیبانی و زیرساختی	عدم حمایت مسئولان و ادارات محلی از تعاونی‌ها نداشتن ساختمان ملکی	۰/۷۵۷ ۰/۷۳۵
مشکل فروش محصولات تعاونی	مشکل فروش محصولات تعاونی نبود قوانین و مقررات پشتیبان تعاونی‌های زنان پایین بودن سطح آموزش و مهارت‌های اعضا	۰/۷۹۹ ۰/۶۱۰ ۰/۵۱۳
عدم اعتقاد برخی اعضا به فواید تعاونی	اعتقاد نداشتن اعضا به تعاونی و فواید آن ناچیز بودن سرمایه تعاونی / کمبود نقدینگی تعاونی	۰/۸۰۲ ۰/۵۵۹
مخالفت خانواده‌های روستایی با فعالیت‌های بیرون از خانه	وجود تعصبات و مخالفت خانواده‌ها با شرکت زنان و دختران در فعالیت‌های بیرون از خانه	۰/۶۸۵
فعالیت‌های بیرون از خانه زنان	فعالیت افراد و گروه‌های رقیب تعاونی در انجام فعالیت‌های اقتصادی همکاری ضعیف اعضا با تعاونی	۰/۶۵۱ ۰/۶۳۵

ادامه جدول ۶		
۰/۸۰۲	پایین بودن روحیه نوآوری و نوپذیری در خانم‌ها	پایین بودن روحیه نوآوری و اعتماد به نفس زنان روستایی
۰/۶۰۳	پایین بودن روحیه اعتماد به نفس در خانم‌ها	نفس زنان روستایی
۰/۸۲۵	همکاری ضعیف مسئولان تعاونی با یکدیگر	همکاری و ارتباط
۰/۵۸۵	ارتباط ضعیف تعاونی با سایر تعاونی‌ها	ضعیف تعاونی با دیگر تعاونی‌ها
۰/۶۷۳	عدم تمایل اعضا برای شرکت در دوره‌های آموزشی	عدم تمایل اعضا به شرکت در آموزش
۰/۵۹۳	نداشتن مجوز صادرات محصولات تولیدی به خارج از کشور	شرکت در آموزش

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

میزان نیاز آموزشی اعضای تعاونی در مورد شغل بهره‌برداری از مراتع نسبت به سایر شغل‌ها بیشتر بوده و پس از آن، باغداری قرار گرفته است. میزان نیاز آموزشی اعضای تعاونی در زمینه مجموعه وظایف شغل گیوه بافی کمتر از دو شغل پیش‌گفته بوده و اعضای تعاونی در خصوص شغل خیاطی به نسبت اعلام نیاز آموزشی کمتری داشته‌اند. مجموعه وظایف "حفاظت از مراتع"، "فراوری گیاهان مرتعی"، "احیای مراتع" و "پیشگیری از تخریب مراتع" بیشترین نیازهای آموزشی بهره‌برداران از گیاهان مرتعی را به خود اختصاص داده است و این مسئله وابستگی و نیاز مردم منطقه به منابع طبیعی و همچنین علاقه آنها به حفظ و احیای منابع طبیعی و محیط زیست را نشان می‌دهد. کنترل آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز مهم‌ترین نیاز آموزشی باغداران را تشکیل داده‌اند. توجه به علاقه، سلیقه و نیاز مشتریان خیاطی و همچنین مصرف کنندگان گیوه از نظر "داشتن ظاهری شیک و زیبا و طراحی مدل‌های جدید" مهم‌ترین نیاز آموزشی افراد خیاط و گیوه‌باف را تشکیل داده است. ذوق و سلیقه مشتریان مذکور بسیار متنوع بوده و دائماً در حال تغییر می‌باشد و این مسئله باعث تغییر مرتب نیازهای آموزشی گیوه‌بافان و خیاطان می‌شود؛ به عبارت دیگر، نیازها با تغییر شرایط تغییر می‌کنند. این یافته در نتایج مطالعه ساسانی (۱۳۹۲) هم آمده است.



یکی از مهم‌ترین مشکلات تعاونی عدم آشنایی کافی اعضا با تعاونی بوده که به نیازهای آموزشی اعضا در این زمینه اشاره می‌کند. این نتیجه با نتایج مطالعات سعدی (۱۳۸۶) و بذرافشان و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد. مشکل ذکر شده خود ریشه مشکلات دیگر تعاونی بوده است که از جمله آنها می‌توان به ایجاد انتظارات غیراصولی اعضا از تعاونی، ایجاد نگرش منفی نسبت به تعاونی و عدم همکاری اعضا با تعاونی اشاره کرد. راهکار رفع این مشکل همان‌گونه که سعدی (۱۳۸۶) و آقاجانی و رزنه (۱۳۸۰) نیز به آن رسیده‌اند، ارتقای سطح دانش و آگاهی اعضای تعاونی و رفع نیازهای آموزشی آنها می‌باشد.

اکثر مشکلات تعاونی ریشه در وجود نیازهای آموزشی اعضا و عدم آگاهی کافی آنها دارد و توجه به اصل آموزش در تعاونی‌ها در این زمینه راهگشا بوده و موفقیت تعاونی را تضمین خواهد کرد. این مسئله در نتایج مطالعه قلی‌فر و همکاران (۱۳۹۱)، نکویی‌نائینی و همکاران (۱۳۹۱)، بذرافشان و همکاران (۱۳۸۹)، ثمری و رسول زاده (۱۳۸۷)، کرمی (۱۳۸۸)، درویشی‌نیا (۱۳۷۸)، امینی و رضانی (۱۳۸۵) تأیید شده است.

همان‌طور که در تحقیقات آقاجانی و رزنه (۱۳۸۰)، اشرفی (۱۳۸۳)، امینی (۱۳۸۵)، امینی و رضانی (۱۳۸۵)، ثمری (۱۳۸۷)، درویشی‌نیا (۱۳۷۸)، سعدی (۱۳۸۶)، عبداللهی (۱۳۷۷)، قلی‌فر و همکاران (۱۳۹۱)، کرمی (۱۳۸۸)، محمدقلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) و نائینی (۱۳۸۵) نیز آمده است، ارتقای سطح دانش و آگاهی اعضای تعاونی از طریق آموزش مناسب‌ترین راهکارهای رفع مشکلات و موفقیت تعاونی شناخته شدند.

در نهایت، مشکلات تعاونی زنان نودشده در ۸ دسته تقسیم شدند که عبارت‌اند از: عدم به کارگیری افراد متخصص و عدم آموزش‌های کافی، عدم حمایت‌های پشتیبانی و زیرساختی، مشکل فروش محصولات تعاونی، عدم اعتقاد برخی اعضا به فواید تعاونی، مخالفت خانواده‌های روستایی با فعالیت‌های بیرون از خانه زنان، پایین بودن روحیه نوآوری و اعتماد به نفس زنان روستایی، همکاری و ارتباط ضعیف تعاونی با دیگر تعاونی‌ها، عدم تمایل اعضا به شرکت در آموزش.

با توجه به نتایج، پیشنهادهای زیر قابل ارائه هستند:

از آنجا که اکثر مشکلات تعاونی‌ها ریشه در ناآگاهی و عدم شناخت کافی اعضا از تعاونی و وجود نیازهای آموزشی آنها دارد و بین میزان دانش و آگاهی اعضای تعاونی با میزان نگرش مثبت اعضا نسبت به تعاونی و نیز میزان همکاری اعضا با تعاونی و در نتیجه میزان موفقیت تعاونی‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، لذا پیشنهاد می‌شود به اصل آموزش در تعاونی‌ها بیشتر توجه شود و زمینه ارتقای دانش و آگاهی اعضا در خصوص تعاونی فراهم گردد.

با توجه به پایین بودن سطح درآمد و وضعیت اقتصادی اکثر خانوارهای اعضای تعاونی نودسه پیشنهاد می‌شود فعالیت‌های اقتصادی تعاونی توسعه و افزایش یابد. این مسئله تنها با همکاری و مشارکت تک‌تک اعضای تعاونی و حمایت‌های همه جانبه دولت از طریق افزایش سطح دانش و آگاهی و توانمندسازی اعضای تعاونی، اجرای طرح‌های پژوهشی زمینه‌یابی ایجاد طرح‌های اقتصادی و اعطای وام‌های بلاعوض و کم بهره به تعاونی و اعضای آن مقدور می‌باشد. در این زمینه، دادن مجوز تجارت با کشور عراق به تعاونی توسط تعدادی از پاسخگویان به پرسش‌نامه‌ها پیشنهاد شده است.

تغییر مرتب ذوق و سلیقه مشتریان مشاغل مختلف مانند گیوه‌بافی، خیاطی و غیره، باعث تغییر مرتب نیازهای آموزشی افراد شاغل می‌شود و این مسئله می‌طلبد که آموزش مستمر در خصوص کسب و کار برای اعضای تعاونی صورت گیرد.

از آنجا که رفع نیازهای آموزشی اعضای تعاونی از عهده شرکت تعاونی روستایی زنان نودسه و در سطح کلان از عهده شرکت‌های تعاونی به تنهایی خارج بوده، لذا پیشنهاد می‌شود تمام ارگان‌های مرتبط با آموزش مانند وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی، جهاد کشاورزی، صدا و سیما و مطبوعات همکاری لازم را با تعاونی‌ها داشته باشند. با توجه به افزایش میانگین سنی اعضای تعاونی و وجود رابطه معنی‌دار منفی بین افزایش سن و میزان علاقه برای شرکت در دوره‌های آموزشی، که پیش‌بینی می‌شود مشکلاتی

را برای تعاونی فراهم آورد، پیشنهاد می‌گردد زمینه پذیرش اعضای جدید با سن پایین‌تر و سطح سواد بالاتر فراهم گردد.

عضوپذیری غیر اصولی و به عبارت دیگر، پذیرش اعضای جدید بدون توجه به نیاز مشترک متقاضیان یکی از مشکلاتی است که خود مشکلات دیگری مانند: "انتظار غیر منطقی اعضا از تعاونی"، "به وجود آمدن نگرش منفی اعضا نسبت به تعاونی" و "عدم همکاری و مشارکت کافی اعضا با تعاونی" و حتی "انجام کارشکنی با تعاونی" را به دنبال دارد؛ لذا پیشنهاد می‌شود اعضای جدید بر اساس قوانین مدون علمی و منطقی و همچنین برپایه وجود نیاز مشترک پذیرش شوند و در زمان پذیرش اعضای جدید جلسات توجیهی برای متقاضیان برگزار گردد.

نداشتن سرمایه کافی یکی از مشکلات جدی است که موتور حرکت تعاونی را کند کرده است. از آنجا که اعضای تعاونی به دلیل عدم درآمد کافی نمی‌توانند تعاونی را در رفع این مشکل یاری نمایند، پیشنهاد می‌شود با اهدای وام بلاعوض و یا کم‌بهره به تعاونی، فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزای تعاونی افزایش یابد.

## منابع

- آجیلی، ع.، منجم زاده، ز. و اشرفی، پ. (۱۳۸۸). بررسی مسائل و مشکلات تعاونیهای زنان استان خوزستان و راه های ارتقای کمی و کیفی. *تعاون و کشاورزی*، ۲۰ (۴)، ۶۳-۸۱.
- آقاجانی ورزنده، م. (۱۳۸۰). *بررسی و ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان.
- اشرفی، م. (۱۳۸۳). *نگرشی بر فلسفه نظام آموزشی و ترویجی*. تهران: انتشارات وزارت تعاون.
- امینی، ا. و رمضانی، م. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل مؤثر بر شرکت‌های تعاونی کشاورزی مرغداران گوهشتی استان اصفهان*. *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، ۱۰ (۱)، ۱۲۱-۱۳۵.

- امینی، ع. (۱۳۷۲). *تعاون راهی به سوی جامعه سالم*. تهران: انتشارات وزارت تعاون.
- بابایی، م. (۱۳۷۸). *نیازسنجی اطلاعات*. تهران: انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- بذرافشان، ج. و شاهین، ح. (۱۳۸۹). *آسیب شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران*. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام، ایران، زاهدان، ۲۷-۲۵ فروردین ۱۳۸۹.
- بنار، ر.، جهانگیری‌فرد، م. و محسن، س. (۱۳۹۰). *تعاونی‌ها و تشکل‌ها از منظر قوانین و مقررات*. تهران: انتشارات آذربرزین.
- ترک‌زاده، ج.، نصری‌جهرمی، ر. و رحمانی، ه. (۱۳۹۳). *نیازسنجی آموزشی کارشناسان پژوهشی دانشگاه یزد با استفاده از الگوی شغل و شاغل*. فصلنامه *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۲۰(۵)، ۲۱۷-۲۳۴.
- ثمیری، ع. و رسول‌زاده، ب. (۱۳۸۷). *بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر افزایش انگیزه پیشرفت و کسب موفقیت در مدیران تعاونی‌ها*. *نشریه مدیریت دولتی*، ۱(۱)، ۳۳-۵۰.
- چالدز، گ. (۲۰۰۶). *تعاونی‌ها در سده ۲۱، راهنمای تشکیل و راه‌اندازی تعاونی*. ترجمه حسین صالح‌نسب، انتشارات وزارت تعاون، چاپ اول، ص ۲۲.
- چرمچیان لنگرودی، م. و چیدری، م. (۱۳۸۴). *تعیین نیازهای آموزشی نوغان‌داران (بررسی موردی در استان گیلان)*. *مجله پژوهش و سازندگی*، شماره ۶۷، ۲۵-۳۵.
- چرمچیان لنگرودی، م. و علی‌بیگی، ا. ح. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی*. *فصلنامه زن و جامعه*، ۴(۱)، ۱۶۵-۱۹۲.
- چیدری، م. (۱۳۷۶). *برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش، راهنمایی برای تدوین برنامه درسی*. نوشته تیم و نلینگ. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- درویشی‌نیا، ع. ا. و صدیقی، ح. (۱۳۸۱). *بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران*. *نشریه علوم کشاورزی ایران*، ۳۳(۲)، ۳۱۳-۳۲۳.
- دلاور، ع. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.

- رضایی، ز. (۱۳۸۸) توانمندسازی زنان در فرآیند توسعه. علوم اجتماعی، شماره ۴۲، ۵۷-۸۲.
- روستا، ک.، تاجریزی، الف. و زمانی‌پور، ا. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌های تولیدی. تعاون، سال ۲۱، دوره جدید، شماره ۲، ۹۱-۱۱۰.
- زرافشانی، ک.، آگهی، ح. و خالدی، خ. (۱۳۹۰). تعیین نیازهای آموزشی زنان روستای قمام شهرستان سنقر. فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۹(۱)، ۱۶۵-۱۸۳.
- ساسانی، ف. (۱۳۹۲). تعیین نیازهای آموزشی باغداران شهرستان کرمانشاه نسبت به سازگاری با تغییرات اقلیمی: الگویی برای مقاوم سازی باغداران. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی.
- سرمد، ز.، بازرگان، ع. و حجازی، الف. (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه.
- سعدی، ح. (۱۳۸۶). ارزیابی تعاونی‌های تولید کشاورزی در شهرستان کبودرآهنگ همدان، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰(۲)، ۱۴۰-۱۶۷.
- شفیعی، ل. (۱۳۹۳). بررسی نیازهای آموزشی زنان روستایی در تولید شیر بهداشتی در گاوداریهای سنتی شهرستان بم. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۵(۴)، ۷۱۵-۷۲۴.
- شهبازی، الف. (۱۳۷۲). توسعه و ترویج روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صبوری، م. ص. و عمانی، ا. (۱۳۸۹). تحلیل عاملی نیازهای آموزشی پنبه‌کاران از دیدگاه کارشناسان ترویج کشاورزی استان سمنان. مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳(۱)، ۳-۴۵.
- ۵۶
- عباس‌زادگان، س. م. و ترک‌زاده، ج. (۱۳۸۱). نیازسنجی آموزشی در سازمان‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عباسی، م. ر. (۱۳۸۱). آموزش تعاون و اولویت‌های پیش‌رو. تعاون، شماره ۱۲۷ (پیاپی ۲۱۶)، ۴-۶.
- عبداللهی، م. (۱۳۷۷). نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران. تهران: معاونت امور نظام بهره‌برداری وزارت کشاورزی.

علیخانی دادوکلاپی، م. و عباسی رستمی، ع.ا. (۱۳۹۵). بررسی اثر عامل‌های آموزشی و روان‌شناختی بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی روستایی زنان استان گلستان، *تعاون و کشاورزی*، ۵ (۲۰)، ۱۷۱-۱۹۴.

غلامعلی زاده، ث. و رضایی‌مقدم، ک. (۱۳۸۸). چالش‌های عمده مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها. *فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، ۷ (۲۵)، ۱۹-۲۵.

فتحی‌واجارگاه، ک. (۱۳۸۴). *نیازسنجی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی*. تهران: نشر آبیژ.

فتحی‌واجارگاه، ک. (۱۳۸۸). *نیازسنجی آموزشی: الگوها و فنون*. تهران: نشر آبیژ.

فدائی بوشهر، م. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مرتبط بر حضور زنان در اقتصاد تعاونی در میان تعاونی‌های فعال زنان استان گلستان*. وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان گلستان.

قاسمی، ج. (۱۳۹۱). *نیازسنجی بهره‌برداران مزارع پرورش ماهی شهرستان دلاهور در استان کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه رازی. دانشکده کشاورزی. خرداد.

قلی‌فر، ا. و بنی‌اسدی، م. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی استان زنجان از دیدگاه مدیران: کاربرد روش AHP. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۸ (۲)، ۷۷-۹۰.

کرمی، ش. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی (محصولات خارج فصل) استان کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه رازی. دانشکده کشاورزی.

کرمی، ش. و علی‌بیگی، ا. ح. (۱۳۹۳). *شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر توسعه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی*. *تعاون و کشاورزی*، ۳ (۱۰)، ۱۱۱-۱۴۱.

کلانتری، خ. و لوایی‌آدریانی، ر. (۱۳۹۵). *شناسایی و تبیین چالش‌های پیش روی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در ایران با استفاده از رویکرد نظریه بنیانی*. *تعاون و کشاورزی*، ۵ (۱۷)، ۳۳-۵۱.

محبوبی، م. و مقصودلو نژاد، س. (۱۳۹۳). عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر موفقیت تعاونی زنان روستایی (مطالعه موردی: تعاونی فدک در استان گلستان)، *تعاون و کشاورزی*، ۳(۹)، ۴۱-۶۰.

محمدقلی‌نیا، ج.، ریاحی وفا، ع. و علیجانی، م. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی سازمان‌های غیردولتی محلی زنان و تبیین راهکارهای تجهیز، توسعه و تقویت آن‌ها (استان‌های مرکزی و مازندران). *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۷(۱)، ۱۰۱-۱۱۵.

محمدی، م.، میردامادی، س. م.، ملک‌محمدی، ا. و یزدی‌صمدی، ب. (۱۳۸۸). نیازهای آموزشی گندمکاران در راستای کاهش ضایعات گندم. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۵(۱)، ۷۳-۸۲.

نکویی‌نائینی، س.ع. و سلمان، م. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اعضاء در مدیریت تعاونیهای روستایی شهرستان کرمانشاه. *تعاون و روستا*، ۴(۱۲ و ۱۳)، ۱۴۷-۱۶۵.

واحدی، م.، سلیمان نژاد، س. و مرادنژادی، ه. (۱۳۹۵). نیاز آموزشی حفظ محیط زیست زنان روستایی شهرستان ایلام. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۳۹، ۱۲۲-۱۳۶.

Butt, T.M., Zhenguob, H., Butt, S.L., & Hassan, M.Z.Y. (2013). Need assessment of agricultural extension education for the rural subsistence poultry women in the Punjab, Pakistan. *International journal of agricultural extension*, 1(1), 8-14.

Harwiki, W. (2016) The impact of servant leadership on organization culture, organizational commitment, organizational citizenship behaviour (OCB) and employee performance in Women cooperatives, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 219, 283-290.

- Jain, S. (2015). Assessment of training needs of women of eelf help groups of udaipur district. *International Journal of Home science*, 1(2), 35-38.
- Kumari, S., Sethi, N., Malik, J. S., & Yogi, V. (2015). Need assessment of women dairy farmers, *Advances in Social Research*,1(1), 35-42.
- Mech, D., Handique, P.K, & Barma, H. (2010). Training needs of rural women in Era culture in Assam province. *Global Journal of Human Social Science*, 10(7), 5-7.
- Movahedi, R., & Yaghoubi-Farani, A. (2012). Analysis of the barriers and limitations for the development of rural women's entrepreneurship. *Entrepreneurship and Small Business*, 15(4), 469- 487.
- Obiora, C. J. (2013). Need assessment: overview from women farmers in Anambra State, Nigeria. *Greener Journal of Agricultural Sciences*, 3 (8), 618-622.
- Roberts, T. G., Ganpat, W. G., Narine, L., Heinert, S. B., & Rodriguez, M. T. (2015). Trinidad food producers' training needs for food security and implications for extension. *Journal of International Agricultural and Extension Education*, 22(1),7-20.
- Vakoufaris, H., Kizos, TH., Spilanis, I., Kolouri, M., & Zacharaki, A., (2007). Women's cooperatives and their contribution to the local development of the North Aegean Region, Greece. *Journal of Rural Cooperation*, 35(1), 19- 41.



## Educational Needs and Obstacles Hampering Noodsheh Rural Women Cooperative Members in Paveh Township

*R. Movahedi<sup>1\*</sup>, A. A. Ghaderi<sup>2</sup>, M. Aazami<sup>3</sup>*

Received: Jul 19, 2017 Accepted: Jan 17, 2018

### *Abstract*

The main purpose of this research was to both identify and prioritize training needs of rural women cooperatives' members. The study has used both qualitative and quantitative methodologies. Training needs of cooperatives' members were first explored by qualitative method (PRA), then prioritized by the quantitative method (questionnaire). In order to assess and prioritize the educational needs a job analysis model was used. The population included 230 members of the Noodsheh cooperative. A sample of 144 women was selected by a randomized method and Morgan's Table was used for this purpose. The quantitative research tool was a questionnaire, that its validity was examined by a group of experts and to assess the reliability of the questions a pilot-test was used through SPSS software. Data was analyzed by descriptive and analytical methods. The results showed that the most important training needs for rural women cooperatives' members of Noodsheh were: 1) conservation, rehabilitation and prevention of pasture's demolition, 2) pest, diseases and weed control on gardens, 3) familiarity with designing new models of Geevah and dresses. The results also revealed that the most important problems of rural women cooperatives' members of Noodsheh were: not enough understanding of members regarding to goals, principles and rules of coops, capital shortage of the coop, rental situation of the coop building, unreasonable expectations of some members regarding the coop, negative attitude of some members to the coop.

**Keywords:** Cooperative, Rural Women, Educational Need Assessment, Noodsheh

---

1. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran

\* Corresponding Author

movahedi686@yahoo.com,

2. Former Master Student, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran

3. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran